

تأثیر سالخوردگی جمعیت بر نابرابری توزیع درآمد در ایران

سهیلا پروین*، شعله باقری پرمهر**، فاطمه پاگرد علیشاهی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱/۲۷)

چکیده

افزایش رقم شاخص امید زندگی، مدیون پیشرفت‌های علمی در حوزه بهداشت و سلامت بوده است که همگام با توسعه اقتصادی، از کشورهای توسعه‌یافته، آغاز و به سرعت به کشورهای در حال توسعه سرایت کرد. از جمله نتایج این پیشرفت‌ها، افزایش تعداد جمعیت و تغییر ساختار سنی جمعیت کشورها به سمت سالخوردگی است. پدیده سالخوردگی جمعیت، تأثیرات زیادی بر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله توزیع درآمد خواهد داشت. این مطالعه، به بررسی تأثیر ساختار سنی جمعیت ایران بر توزیع درآمد، طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۹۴ می‌پردازد. نتایج حاصل از تجزیه ضریب جینی هزینه خانوار بر حسب گروه‌های سنی سرپرست خانوار نشان می‌دهد، همراه با افزایش سن سرپرست خانوار، نابرابری درآمد بین گروه‌های سنی و نیز در گروه سالمند (خانوارهای بالای ۶۵ سال) افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه نابرابری توزیع درآمدها، دومین عامل فقر در ایران است، گسترش جمعیت سالمند در دهه‌های آینده، احتمال پیوستن سالمندان به گروه فقیر را افزایش می‌دهد. به این ترتیب، حتی اگر دیگر نیروهای تشدیدکننده نابرابری و فقر، مثل تورم، رکود اقتصادی و... متوقف شوند، پدیده رو به رشد جمعیت سالمند، نیروی بالقوه‌ای برای رشد نابرابری و فقر در کشور است. بنابراین، از منظر رشد، برای اقتصادی که دچار یک الگوی نامتعادل در توزیع درآمدها است و گذار جمعیتی سریعی را تجربه می‌کند، پدیده سالخوردگی جمعیت می‌تواند چالش مهمی در سیاست‌گذاری رشد باشد.

کلیدواژه‌ها: سالخوردگی جمعیت، نابرابری درآمدی، ضریب جینی، سیاست‌گذاری اقتصادی،

سیاست‌های حمایتی.

* استاد اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

E.mail: sparvin2020@hotmail.com

** استادیار اقتصاد، گرایش پول، گروه اقتصاد دانشگاه خاتم.

E.mail: sh.bagheripormehr@khatam.ac.ir

*** دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، دانشگاه خاتم.

E.mail: f_alishahi92@yahoo.com

مقدمه

تغییرات جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی که بعد از جنگ جهانی دوم، در کشورهای توسعه‌یافته به وقوع پیوست، کشورهای در حال توسعه را نیز با تأخیر در بر گرفت. این تغییرات، اثرات متقابلی بر رشد و توسعه، وضعیت اجتماعی و اقتصادی کشورها داشته است. روند فزاینده مهاجرت، تورم جمعیت جوان، کاهش نرخ باروری، افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، سالخوردگی جمعیت و... همگی مسائلی هستند که متأثر از تغییرات اجتماعی و اقتصادی بوده و خود قابلیت تأثیرگذاری بر فرآیند رشد و توسعه هر کشور را دارند.

ترکیب جمعیت، از منظر رشد اقتصادی اهمیت دارد. از این دیدگاه، ترکیب مطلوب جمعیت، زمانی است که دو سوم جمعیت یک کشور را گروه مولد (جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال) تشکیل دهد (صادقی، ۱۳۹۱). برخورداری از نیروی جوان، می‌تواند از نظر عرضه نیروی کار و ایجاد پس‌انداز، فرصت طلایی برای رشد اقتصادی فراهم کند. اگر تدبیر کارآمدی برای بهره‌گیری از این مؤلفه تأثیرگذار در تولید وجود نداشته باشد، این فرصت به تهدید تبدیل خواهد شد.

بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان ملل (۱۳۹۴-۱۳۶۴)، در گزارش "سالخوردگی جمعیت جهان"، تعداد جمعیت بالای ۶۵ سال جهان، از ۸۰۰ میلیون نفر (بر اساس گزارش مذکور) که ۱۱ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند) به بیش از ۲ میلیارد نفر (یعنی ۲۲ درصد جمعیت جهان) در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید. همچنین، این گزارش نشان می‌دهد، ایران در مقایسه با اکثر کشورهای جهان، (به‌عنوان سومین کشور جهان) سرعت بالاتری در سالخورده شدن جمعیت دارد (باسخا و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس اطلاعات وبگاه سازمان اطلاعات مرکزی (CIA)^۲ در سال ۲۰۵۰، حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران، در گروه سنی بالای ۶۰ سال قرار خواهند داشت. نقش اصلی در افزایش سرعت این پدیده، مربوط به کاهش چشم‌گیر نرخ باروری کشور طی سه دهه اخیر بوده است، که خود متأثر از شرایط اقتصادی نیز می‌باشد.

فرایند اجتناب‌ناپذیر سالخوردگی جمعیت، شاخص‌های اقتصادی را از مسیرهای متعددی تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله: کاهش عرضه نیروی کار، تغییر در سهم هزینه عوامل تولید، افت بهره‌وری، تورم دستمزدها، تغییر در الگوی مصرف و پس‌انداز (از طریق افزایش بار تکفل

1. World Population Aging, (1950-2050)
2. Central Intelligence Agency

و در نتیجه، کاهش پس‌انداز بخش خصوصی)، کاهش پس‌انداز بخش دولتی (به دلیل افزایش تعهدات پرداخت مستمری) و تغییر در توزیع درآمدها، از طریق تغییر در تقاضا. مجموعه این تغییرات، رشد اقتصادی و پایداری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

سالخوردگی جمعیت، از طریق کاهش عرضه نیروی کار، هم سهم عوامل تولید در کل تولید (توزیع عاملی^۱) را تغییر می‌دهد و هم از طریق نابرابری در توزیع درآمد^۲ بین خانوارها، می‌تواند منجر به گسترش فقر گردد. وقتی اقتصادی با نابرابری در توزیع درآمد و پدیده مهاجرفرستی مواجه باشد، این اثرات با شدت بیشتری رشد اقتصادی را متأثر می‌کنند.

هدف اساسی این مقاله، تجزیه و تحلیل روند نابرابری درآمدی در بین گروه‌های سنی از طریق بررسی مخارج خانوارها با استفاده از تجزیه ضریب جینی می‌باشد و فرضیه آن، وجود رابطه همسو بین سالخوردگی جمعیت و نابرابری توزیع درآمد در ایران است. در این مطالعه، بررسی وضعیت توزیع درآمد در ایران و نقش سالخوردگی جمعیت کشور، به تفکیک مناطق شهری و روستایی، طی سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴ مدنظر است. نتایج این مطالعه، بر اساس تجزیه شاخص جینی، در شش گروه سنی، با در نظر گرفتن نابرابری بین شش گروه و نابرابری درون هر یک از گروه‌ها حاصل شده است. برای این منظور، از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار که توسط مرکز آمار سالانه منتشر می‌شود، استفاده شده است.

ساختار سنی جمعیت در ایران

هرم سنی جمعیت ایران نشان‌دهنده جوان بودن جمعیت آن است. نقطه اوج شکوفایی اقتصاد یک کشور از نظر جمعیتی زمانی است که دو سوم جمعیت آن کشور را افراد ۱۵ تا ۶۴ سال (سنین فعالیت اقتصادی)، تشکیل دهند. ایران از سال ۱۳۸۵ وارد این دوره شده و تا سال ۱۴۲۵ در این شرایط باقی خواهد ماند (صادقی، ۱۳۹۱).

در طول سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۰، به طور متوسط، سالانه دو میلیون و ۲۰۰ هزار نفر متولد شده اند. اما پس از آن به تدریج قاعده هرم جمعیت ایران جمع شده و قسمت میانی هرم که مربوط به جمعیت در سن فعالیت می‌باشد، بزرگ شده است.^۳

1. Functional Distribution

2. Income Distribution

۳. مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و آمارگیری جاری جمعیت.

جدول ۱: توزیع درصد جمعیت گروه‌های سنی در سال‌های سرشماری (۱۳۳۵-۱۳۹۵)

گروه سنی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
۲۹-۰	۶۵/۶	۶۷/۸	۶۹/۸	۷۱/۸	۷۰/۹	۶۷/۹	۶۰/۵	۵۴/۹	۲۶/۴
۳۹-۳۰	۱۳/۰	۱۲/۳	۹/۹	۱۰/۲	۱۱/۴	۱۲/۶	۱۴/۹	۱۶/۷	۲۸/۳
۴۰-۴۹	۸/۷	۸/۶	۹/۱	۶/۶	۶/۵	۸/۰	۱۰/۸	۱۱/۹	۱۸/۷
۵۹-۵۰	۶/۵	۴/۷	۶/۰	۵/۹	۵/۴	۴/۸	۶/۶	۸/۳	۱۳/۲
۶۴-۶۰	۲/۳	۲/۷	۱/۷	۲/۴	۲/۳	۲/۳	۲/۱	۲/۵	۴/۶
۶۵ سال و بیشتر	۴/۰	۳/۹	۳/۵	۳/۱	۳/۵	۴/۴	۵/۲	۵/۸	۸/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۹۵-۱۳۳۵ و آمارگیری جاری جمعیت ۱۳۷۰.

همانطور که در جدول ۱ مشخص است در طی فاصله دو سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، نسبت جمعیت گروه سنی ۶۰ سال و بالاتر در کل جمعیت، نسبت به گروه‌های سنی دیگر، آهنگ رشد سریع‌تری داشته است (از ۸/۴ درصد به ۱۳/۴ درصد). این در حالی است که کاهش نرخ باروری، هنوز اثر خود را بر تغییر تعداد جمعیت بزرگسالان و سالمندان آشکار نکرده است. در صورتی که این روند ادامه یابد، سالخوردگی جمعیت هشدار جدی برای اقتصاد در پی خواهد داشت. سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای تعدیل اثرات سالخوردگی جمعیت بر اقتصاد، باید از هم‌اکنون به اجرا گذاشته شود. بهبود تکنولوژی، مهاجرپذیری و افزایش بهره‌وری نیروی کار، از اقداماتی است که کشورهای توسعه‌یافته در مواجهه با پدیده سالخوردگی جمعیت در پیش گرفته‌اند.

سالخوردگی جمعیت و توزیع درآمد

در ادبیات نظری و کاربردی، مسأله سالخوردگی جمعیت، بیشتر از منظر بازار کار مدنظر قرار گرفته است. در حالی که گذار جمعیت به سمت سالخوردگی، علاوه بر کاهش عرضه نیروی کار، می‌تواند بهره‌وری، سهم نهاده‌های تولید، الگوی مصرف و پسانداز جامعه، الگوی توزیع درآمدها، و همچنین رشد اقتصادی و پایداری آن را تحت تأثیر قرار دهد. تشدید نابرابری، هم در توزیع عاملی درآمد (توزیع بین عوامل تولید) و هم در ترکیب با شرایط بازنشستگی، توزیع درآمد در بین خانوارها، بر رشد اقتصادی تأثیر گذارند. توزیع نابرابرتر درآمد بین خانوارها دومین عامل فقر، به‌ویژه در اقتصادهای با ساختار شبیه ایران محسوب می‌شوند (پروین، ۱۳۹۴). اگر

به این شرایط، افزایش بار تکفل هم اضافه شود، بی‌تردید نابرابری بیشتر درآمدها به مفهوم فقر گسترده‌تر خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در توجیه نقش سالخوردگی جمعیت در نابرابری توزیع درآمدها، این‌گونه استدلال شده است که رابطه بین رشد سالخوردگی و نابرابری درآمد، در ابتدا مثبت است؛ اما با رشد سالخوردگی جمعیت، جهت معکوس به‌خود می‌گیرد. این نتایج با شواهد تجربی در برخی از کشورهای توسعه‌یافته سازگار است. در مراحل اولیه سالخوردگی جمعیت، کاهش مرگ‌ومیر سالمندان، منجر به تقویت رشد اقتصادی و بدتر شدن نابرابری بین نسلی می‌شود و با افزایش نسبت جمعیت سالمند، رابطه رشد و نابرابری برعکس می‌شود (مایزاورا، ۲۰۰۵).

تحقیقات زیادی در زمینه تأثیرات سالخوردگی جمعیت بر اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه در مورد آثار آن بر بازار کار، صورت گرفته است. در ذیل به نمونه‌ای از این مطالعات اشاره شده است.

ژاپن در مقایسه با سایر کشورها، سالخوردگی جمعیت را زودتر تجربه نمود. از این‌رو، بخش مهمی از مطالعات پیرامون اثرات اقتصادی سالخوردگی جمعیت، مربوط به این کشور است. بر اساس نتایج مطالعات انجام شده در این کشور، نابرابری درآمد در بین خانوارهای با اعضای سالمند، از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد کاهش یافته، در حالیکه نابرابری در خانوارهای با سرپرست جوان، بیشتر شده است. این نتیجه، تحت تأثیر سیستم حمایت فامیلی از سالمندان در این کشور نیز می‌باشد (شیراهس، ۲۰۱۵).

نیوزیلند هم از جمله کشورهایی است که با رشد بالای جمعیت سالمند مواجه است. نابرابری توزیع درآمدها در این کشور عمدتاً از نابرابری توزیع درآمد در گروه‌های سنی نشأت گرفته است. به‌کارگیری روش شبه‌پارامتری در تبیین رابطه سالخوردگی جمعیت و نابرابری درآمد در این کشور نشان داد در مناطق شهری، نرخ رشد نابرابری درآمد نسبت به نرخ رشد سالخوردگی جمعیت بالاتر است. در حالی که در مناطق روستایی، نرخ رشد سالخوردگی جمعیت، سریع‌تر از نرخ رشد نابرابری درآمد است. کاهش نابرابری ناشی از کاهش جمعیت جوان هم در مناطق

شهری کوچک‌تر است. این نتیجه، به این معنی است که نابرابری توزیع درآمد، از تفاوت درآمد گروه‌های سنی نیز تأثیر می‌پذیرد (امونی^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). مطالعه دیگری توسط دینارد^۲ و همکارانش (۱۹۹۶) در نیوزلند، در بازه زمانی ۱۹۹۸-۱۹۸۳ تأیید کرد که مهم‌ترین عامل نابرابری توزیع درآمد، ساختار سنی و جمعیتی خانوارها است. تفاوت ساختار سنی خانوارها باعث کاهش شکاف آستانه درآمد خانوارها در نیوزیلند شده است.

مطالعه گونزالز و نیپلت^۳ (۲۰۱۲) با به‌کارگیری الگوی نسل‌های هم‌پوشان در بررسی تأثیر سالخوردگی جمعیت بر پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۴ نشان داد که پدیده سالخوردگی جمعیت، سبب کاهش نسبت سرمایه‌گذاری به تولید می‌شود. یکی از راه‌حل‌های پیش‌بینی شده برای مقابله با اثرات اقتصادی افزایش نسبت سالمندان در جمعیت، سرعت بخشیدن به رشد سرمایه سرانه است. از اینرو، الگوی مصرف سالمندان، می‌تواند مخارج بخش عمومی را تحت تأثیر قرار دهد. مطالعه دیگری توسط کویسر و ویتھوس^۵ (۲۰۰۹) در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نشان داد، رابطه سالمندی و فقر، مثبت و معنی‌دار است، اما برخی تفاوت‌ها در میان کشورها (مثل تفاوت در سیستم حمایتی)، با شرایط مشابه، این ارتباط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

های و ژونگ^۶ (۲۰۱۱) در مطالعه خود نشان دادند که یکی از علل گسترش نابرابری درآمد در کشور چین، گسترده‌ی سالخوردگی جمعیت این کشور، متأثر از سیاست‌های جمعیتی دهه ۱۹۸۰ به بعد است (هر چند که در آن زمان این سیاست لازمه رشد و کاهش فقر بود). تجزیه شاخص نابرابری بر حسب گروه‌های سنی در این کشور، نشان داد که افزایش قابل توجه نابرابری درآمد در مناطق روستایی، متأثر از گسترده‌ی سالخوردگی جمعیت است.

مطالعه اندرسون^۷ (۲۰۰۱) در کشورهای حوزه اسکاندیناوی نیز بر تأثیر منفی افزایش نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر بر رشد درآمد سرانه تأکید دارد؛ در حالی که گسترده‌ی گروه سنی ۱۵

-
1. Omoniyi
 2. Dinardo
 3. Gonzalez & Niepelt
 4. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
 5. Queisser & whitehouse
 6. Hai Zhong
 7. Bjorn Anderson

تا ۶۴ سال، منجر به رشد درآمد سرانه می‌شود. مطالعه مایز او^۱ (۲۰۰۵) در سوئد نشان داد که گستردگی جمعیت زیر ۶۵ سال، به افزایش پس‌انداز می‌انجامد، حال آنکه افزایش نسبت جمعیت گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر، منجر به افزایش مصرف می‌شود.^۲

مطالعه موخر جی و شوروکس^۱ (۱۹۸۲) در خصوص شاخص‌های نابرابری در گروه‌های سنی سرپرستان خانوار در بریتانیا (۱۹۶۵-۱۹۸۰) هم بر این تأکید دارد که شدت نابرابری درآمدی در گروه سالمندان، روند کلی نابرابری را تغییر داده است. تجزیه شاخص‌های نابرابری نظیر ضریب جینی، شاخص نابرابری تایل^۲ و شاخص اتکینسون^۳ در این بررسی نشان داده که تغییرات نابرابری درون گروه‌های سنی، روند کلی نابرابری را تشدید کرده است و علی‌رغم نابرابری بیشتر توزیع درآمد در گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر، تمهیدات و اصلاح قوانین بازنشستگی، قادر به تخفیف شدت نابرابری در آمدی در گروه سالمند بوده است.

در ایران نیز محققان زیادی به مطالعه جنبه‌های مختلف آثار اقتصادی سالخوردگی جمعیت پرداخته‌اند. مطالعه یآوری و همکارانش (۱۳۹۴) نشان داده که تأمین اجتماعی و بازنشستگی، یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که از تغییر ساختار سنی جمعیت در آینده متأثر خواهد شد. ادامه روندهای جمعیتی و افزایش هزینه‌های تأمین اجتماعی، منجر به افزایش مالیات خواهد شد. یکی از پیشنهادات این محققان برای مقابله با این اثرات، افزایش سن بازنشستگی و همچنین تغییر در نظام پرداخت بیمه است.

باسخا و همکارانش (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر سالخوردگی جمعیت از منظر رشد اقتصاد غیرنفتی در ایران را مد نظر قرار دادند. نتایج مطالعه آنها از طریق معرفی مدل خاصی از رشد اقتصادی، که در برگزیده متغیرهای جمعیتی هم است، نشان داده که در کوتاه‌مدت، افزایش نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به جمعیت زیر ۱۵ سال، از رشد درآمد سرانه می‌کاهد.

راغفر و همکارانش (۱۳۹۱) با بهره‌گیری از یک تابع تولید کاب داگلاس با دو نهاد تولید، برای دوره ۱۳۸۹-۱۳۶۵، ضمن تصریح اهمیت نقش نهاد نیروی انسانی، به اثرات تغییرات جمعیتی دهه‌های اخیر (ناشی از بیش‌زایی در دهه شصت، کاهش چشم‌گیر نرخ باروری در دهه ۱۳۷۰ و ادامه آن در دهه ۱۳۸۰) پرداخته‌اند. نتایج مطالعه آنها نیز بر اثرگذاری ساختار سنی

1. Dilip Mookherjee, Anthony Shorrocks, (1982)

2. Taile Index

3. Atkinson Index

جمعیت بر رشد اقتصادی تأکید دارد.

مهرگان و رضایی (۱۳۸۸) تأثیر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی ۱۷۱ کشور را در دوره‌ای ۳۹ ساله (۱۹۶۶-۲۰۰۴) مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آنها نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای رشد اقتصادی از متغیرهای جمعیتی است. به نحوی که افزایش نسبت دو گروه سنی زیر ۱۵ سال و بالای ۶۵ سال، به‌طور معناداری بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. طبق نتایج این مطالعه، نرخ رشد جمعیت گروه سنی زیر ۱۵ سال و پس از آن، نرخ رشد جمعیت گروه سنی ۶۵ ساله و بالاتر، بیشترین اثر بازدارندگی بر رشد اقتصادی را داشته است.

منشأ درآمدی نیز می‌تواند در نابرابری توزیع درآمد نقش داشته باشد. نتایج مطالعه پروین (۱۳۸۵) نشان داده است که کشش نابرابری، نسبت به درآمد حاصل از مشاغل آزاد در مقایسه با انواع درآمد، حساس‌تر است. دلیل آن، گستردگی تنوع این فعالیت‌ها و مالیات‌گریزی این بخش از اقتصاد ایران است. عامل مهم دیگر در نابرابری توزیع درآمد، دستمزد و حقوق در بخش دولتی است، که نتیجه شرایط غیررقابتی در استفاده از نیروی انسانی در بخش عمومی است. به طوری که شاخص تمرکز دستمزد در بخش دولتی، سه برابر بزرگ‌تر از شاخص تمرکز دستمزد در بخش خصوصی است. به این ترتیب، جبران آثار توزیعی سیاست رشد اقتصادی که گسترش خود اشتغالی و یا توسعه اشتغال در بخش دولتی را در پی داشته باشد، مستلزم همراهی آن با یک سیاست بازتوزیعی است.

طبق نتایج مطالعه بهشتی و احمدزاده (۱۳۸۶)، سالخوردگی جمعیت، از طریق تغییر در الگوی مصرف، قادر است متغیرهای دیگری مثل تورم را متأثر نماید. این جنبه سالخوردگی جمعیت، طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۴۵ با بهره‌گیری از نظریه سیکل دوره زندگی و فرضیه فزاینده‌گی تورم و یکسلا و اثر ترکیب ساختار جمعیت بر تورم، ارزیابی شده است. یافته‌های این مطالعه تأکید دارد که تورم ناشی از فشار تقاضا برای تأمین نیازهای مصرفی در گروه‌های بیشتر مصرف‌کننده (مثل سالمندان)، نسبت به گروه‌های پس‌اندازکننده، بیشتر است. تأثیر نسبت جمعیت گروه سنی ۲۹-۱۵ سال نسبت به جمعیت گروه سنی زیر ۱۵ سال و یا بار تکفل سنین جوان، بر تورم بیشتر است. رشد جمعیت گروه‌های سنی ۲۹-۰ سال و ۶۵ ساله و بالاتر، اثر مثبت و معناداری بر تورم دارند. در حالی که، رشد نسبت جمعیت گروه سنی پس‌اندازکننده (۳۰-۶۴ سال) از تورم می‌کاهد.

مجموعه این مطالعات بر این نکته تأکید دارند که عواملی مثل ساختار سنی، جنسی، قوانین اشتغال و... در شکل‌گیری الگوی توزیع درآمد اهمیت دارند. برای اقتصاد ایران که دچار یک الگوی نامتعادل در توزیع درآمدها است و در سه دهه پیش‌رو، گذار جمعیتی سریعی را تجربه خواهد کرد، از منظر رشد اقتصادی، گسترش نابرابری چالش مهمی ایجاد خواهد کرد. از این‌رو، مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تأثیر سالخوردگی جمعیت بر نابرابری، متأثر از نوع و کیفیت سیستم حمایتی، قوانین بازنشستگی و منشأ درآمد دریافتی خانوار سالمند می‌باشد. وقتی تنها منبع درآمد خانوار دستمزد باشد، در غیاب یک سیستم حمایتی کارا، بدیهی است خروج از بازار کار، افت درآمد و رشد نابرابری را به‌همراه خواهد داشت. در این شرایط بازنشستگی، احتمال پیوستن خانوار به گروه فقیر افزایش می‌یابد. در حالی‌که، وقتی درآمدی غیر از دستمزد و حقوق (بهره، اجاره و سود) نیز بخشی از درآمد خانوار را تشکیل دهد، خروج از بازار کار، با افت درآمد کمتر همراه خواهد بود. به‌عبارت دیگر، وقتی اقتصاد در شرایطی قرار می‌گیرد که بخش بزرگی از جامعه، درآمد مازاد بر مصرف دارد و امکان حصول درآمد از محل پس‌انداز در سنین بازنشستگی فراهم است، با گسترش سالخوردگی جمعیت، لزوماً توزیع درآمد، نابرابرتر نمی‌گردد.

روش تحقیق و داده‌ها

با توجه به تفاوت توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران، در این مطالعه از هزینه ناخالص سرانه فرد در گروه‌های سنی خانوار شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۹۴ که در طرح هزینه - درآمد مرکز آمار ایران تهیه می‌شود، استفاده شده است. طبقه بندی سنی سرپرست خانوارها در شش گروه سنی ۰-۳۰، ۳۱-۴۰، ۴۱-۵۰، ۵۱-۶۰، ۶۱-۶۵ و بالای ۶۵ سال مد نظر قرار گرفته است. برای هر یک از گروه‌ها و نیز در سطح کل، ضریب جینی به‌عنوان شاخص سنجش نابرابری، محاسبه شده است.

پرکاربردترین شاخص سنجش نابرابری، ضریب جینی است. مهم‌ترین مزیت این شاخص سادگی تفسیر و کاربرد مقایسه‌ای آن می‌باشد. البته پایین بودن ضریب جینی، همیشه دال بر موقعیت بهتر در توزیع درآمد نیست. یک نمونه بارز این تناقض، روند ضریب جینی در چین است که در دهه ۱۹۸۰ میلادی، این شاخص حدود ۰/۱۶ بود، درحالی‌که پس از رشد شگفت‌آور

اقتصاد این شاخص به ۰,۵۵ در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت، با این حال وضعیت رفاهی مردم بشدت بهبود یافت. بر عکس پس از بحران مالی ۲۰۰۸، ضریب جینی در بریتانیا کاهش قابل ملاحظه‌ای داشت، حال آنکه وضعیت رفاهی جامعه بدتر شده بود. علیرغم این نواقص این مطالعه به دلیل ویژگی تجزیه‌پذیری و تفسیر قابل درک آن از این شاخص استفاده می‌کند.

به‌طور معمول، برای تحلیل نابرابری، از داده‌های درآمد یا دارایی استفاده می‌شود. از آنجا که در اکثر موارد، این داده‌ها یا در دسترس نیست یا دچار خطای کم‌گویی است، داده‌های هزینه برای سنجش نابرابری مورد استفاده قرار می‌گیرد. هر چند که این امر در سنجش نابرابری خالی از اشکال نیست.

بی‌تردید، در تحلیل نابرابری، استفاده از داده‌های هزینه به جای درآمد، نمی‌تواند نابرابری را به‌طور کامل بیان کند؛ چرا که خانوار کم درآمد، مخارجی نزدیک به درآمد خود دارد، اما در خانوارهای پر درآمد، هزینه می‌تواند تنها بخش کوچکی از درآمد او را تشکیل دهد و بخش بیشتری از درآمد، در قالب پس‌انداز از فرآیند مصرف (هزینه) خارج می‌شود. بنابراین، وقتی شاخص نابرابری، با داده‌های هزینه تحلیل می‌شود، انتظار بر این است که شاخص‌های نابرابری، کوچک‌تر از نابرابری درآمدی گزارش شوند.

اشکال دیگر استفاده از داده‌های هزینه در اندازه‌گیری شاخص‌های نابرابری، این است که طبقه‌بندی خانوارها در گروه‌های هزینه، ناپایدارتر از طبقه‌بندی بر حسب درآمد است. چرا که اصابت هزینه‌های اتفاقی خانوار، می‌تواند جایگاه خانوار در طبقه‌بندی را تغییر دهد.

مخارج خانوار، تحت تأثیر بعد خانوار است. برای تعدیل اثر اندازه خانوار، معمول است که از هزینه سرانه استفاده شود. با توجه به وجود هزینه مشترک افراد در یک خانوار، تورش اجتناب‌ناپذیری وجود خواهد داشت. این مطالعه، از داده‌های هزینه سرانه فرد برای دوره سی ساله منتهی به سال ۱۳۹۴ که توسط مرکز آمار ایران به صورت سالانه منتشر می‌شود، استفاده کرده است.

یکی از معمول‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد، ضریب جینی است که معمولاً برای بیان نابرابری درآمد کل استفاده می‌شود. عمومی‌ترین روش محاسبه ضریب جینی عبارت است از:

$$G = \frac{I}{2n^2 \mu} \sum_i \sum_j |y_i - y_j| \quad (1)$$

در این تعریف، n تعداد نمونه (خانوار یا فرد)، y_i درآمد خانوار است. از جمله ویژگی‌های این شاخص، تجزیه‌پذیری آن می‌باشد. با تجزیه رابطه (۱) در K طبقه می‌توان نوشت:

$$G = \sum_k \left(\frac{n_k}{n}\right)^2 \frac{\mu_k}{\mu} G^k + \frac{1}{2n^2\mu} \sum_k \sum_{i \in N_k} \sum_{j \notin N_k} |y_i - y_j| \quad (2)$$

μ میانگین درآمد خانوارها، N_k مجموع خانوارهای طبقه K ، n_k عنصری از زیر مجموعه طبقه K است. μ_k میانگین درآمد خانوارها (یا افراد) در طبقه k می‌باشد. Y_i درآمد i ام است. به همین ترتیب، N_h مجموع خانوارهای طبقه h ، μ_h متوسط درآمد خانوارهای گروه h است. به‌طوریکه هر عنصری از زیر مجموعه h نمی‌تواند در طبقه k قرار داشته باشد. با جای‌گذاری در رابطه (۱)، در رابطه (۲) خواهیم داشت:

$$\sum_{i \in N_k} \sum_{j \in N_h} |y_i - y_j| = n_k n_h |\mu_k - \mu_h|, \quad h \neq k \quad (3)$$

اگر $v_k = \frac{n_k}{n}$ (سهم جمعیت طبقه k در کل جمعیت) و $\lambda_k = \frac{\mu_k}{\mu}$ نسبت متوسط درآمد در طبقه k به درآمد متوسط کل تعریف شود، ضریب جینی را می‌توان این‌گونه نوشت:

$$G = \sum_K V_K^2 \lambda_K G^k + \frac{1}{2} \sum_k \sum_h v_k v_h |\lambda_k - \lambda_h| \quad (4)$$

و یا

$$G = \sum_K V_K^2 \lambda_K G^k + \frac{1}{2} \sum_k \sum_h v_k v_h |\lambda_k - \lambda_h| + R \quad (5)$$

G^k میزان نابرابری بین خانوارهای گروه k ام را اندازه‌گیری می‌کند، که با توجه به وزن میانگین درآمد این گروه در درآمد کل (λ_k) و نسبت جمعیت این گروه در کل جمعیت v_k ، نابرابری کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عبارت دوم، نابرابری بین طبقات را اندازه‌گیری می‌کند که مجدداً با اوزان نسبت جمعیت طبقه k ام (v_k) و جمعیت طبقه h ام (v_h)، نابرابری کل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. R هم مبین نابرابری با منشاء غیر از عوامل ذکر شده (غیر از درون‌گروهی و بین‌گروهی) در نابرابری کل است.

به این ترتیب نابرابری کل شامل، نابرابری بین افراد (خانوارها) یک گروه (اثرات درون‌گروهی)، نابرابری بین گروهی و R بعنوان باقی‌مانده اثرات در نظر گرفته می‌شود. با توجه به

ویژگی گروه‌های مورد نظر در این مطالعه اجزاء نابرابری به این ترتیب در نظر گرفته خواهد شد:

$$G = \frac{1}{2} \sum_k \sum_h v_k v_h |\lambda_k - \lambda_h| = \frac{I}{2n^2\mu} \sum_k \sum_h n_k n_h |\mu_k - \mu_h| \quad (6)$$

K گروه‌های سنی سرپرست خانوار (K=۱، ۲، ۳، ...، ۶) و Y_i هزینه خانوار i ام می‌باشد.

یافته‌ها

روند تحولات ضریب جینی بر اساس گروه‌های سنی در مناطق شهری

تحت تأثیر نابسامانی‌های دوره جنگ تحمیلی، افت درآمدهای نفتی، خروج گسترده سرمایه و...، توزیع درآمدها در نیمه دوم دهه ۱۳۶۰ بسیار نابرابر بود. اگر چه رقم این شاخص در مقایسه با نیمه دوم دهه ۱۳۵۰، پایین‌تر است، واضح است که تحت شرایط جنگ و کاهش درآمدهای ارزی، کاهش ضریب جینی، ضرورتاً دال بر بهبود رفاه اقتصادی نیست. این کاهش، مرهون سیستم جیره‌بندی و حمایت از اقشار کم درآمد، که در دهه ۱۳۶۰ نقش مهمی در تعدیل وضعیت گروه فقیر داشت و همچنین مرهون افت بیشتر درآمد گروه‌های پردرآمد، خروج سرمایه و... بود. با پایان یافتن جنگ تحمیلی، تزریق نقدینگی جهت هزینه‌های بازسازی جنگ، کاهش ارزش پول ملی که از عوامل گسترش تورم بود، شوک‌های ناشی از سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و...، نوسانات زیادی در شاخص‌های نابرابری به همراه داشته است. نوسانات نابرابری در دهه ۱۳۸۰، متأثر از سیاست‌های متعدد و تا حدودی متناقض است. به همین دلیل، تحلیل این شاخص در این دوره، تا اندازه‌ای مشکل است و با دیگر شاخص‌های کلان اقتصادی هم‌خوانی ندارد. رونق نسبی درآمد نفت در نیمه دوم این دهه، سیاست‌گذار را برای گسترش سیاست‌های تحریک تقاضا در قالب افزایش مخارج دولت ترغیب نمود، که گسترش نقدینگی را در پی داشت. در عین حال، سیاست‌گذار، سیاست اصلاح قیمت انرژی را در دستور کار قرار داد و برای پیشگیری از عوارض آن بر گروه‌های فقیر، سیاست پرداخت یارانه نقدی فراگیر را هم‌زمان دنبال کرد.

سیاست پرداخت یارانه نقدی، هرچند در سال اول اجرا، نقش تعدیل‌کننده‌ای در توزیع درآمد داشت، اما مجموعه تحولات بعدی، از جمله عدم تحقق رشد تولید پیش‌بینی شده، عدم تحقق درآمد دولت از محل افزایش قیمت انرژی، نامساعدتر شدن شرایط بین‌الملل برای اقتصاد ایران و کاهش درآمدهای نفتی، رشد نقدینگی را شدت بخشید و پیامد تورمی آن از سال ۱۳۹۲

و تداوم افزایش نرخ بیکاری متأثر از شرایط تورم-رکودی، نه تنها قدرت خرید خانوارها را کاهش داد، بلکه شاخص‌های توزیعی، به‌ویژه شاخص‌های توزیع رفاه (هزینه حقیقی) را به زیان گروه‌های فقیر تغییر داد. از این‌رو، کاهش ضریب جینی طی دهه اخیر، دال بر بهبود موقعیت رفاهی خانوارها نیست. این کاهش می‌تواند ناشی از تغییر ساختار جمعیتی خانوار هم باشد. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، کاهش متوسط سن سرپرست خانوار و افزایش نسبت اشتغال در دهک‌های پایین، نشان می‌دهد که بخشی از خانوارهای دهک‌های بالاتر به دهک اول و دوم پیوسته‌اند. این امر ضریب جینی را کاهش می‌دهد. درحالی‌که موقعیت رفاهی خانوارهای دهک‌های پایینی توزیع، بدتر شده است. با توجه به اینکه بخش مهمی از جمعیت دهک‌های پایین، از ناحیه فروش خدمات نیروی‌کار، درآمد کسب می‌کنند، ورود به دوره سالخوردگی جمعیت، به معنی افت شدید درآمد خواهد بود و انتظار می‌رود که توزیع کل هم نامتعادل‌تر شود.

جدول ۲: میانگین سن سرپرست و نسبت شاغلین خانوار به تفکیک دهک‌های درآمدی در مناطق

شهری (۱۳۸۸-۱۳۹۲)

دهک	میانگین سن سرپرست خانوار			نسبت شاغلین در خانوار		
	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲	۱۳۸۸	۱۳۹۰	۱۳۹۲
اول	۸۸	۹۰	۹۲	۸۸	۹۰	۹۲
دوم	۵۴	۵۵	۵۰	۰,۶	۰,۵	۰,۷
سوم	۴۸	۴۹	۴۷	۰,۸	۰,۸	۰,۹
چهارم	۴۶	۴۸	۴۶	۱	۰,۹	۰,۹
پنجم	۴۶	۴۸	۴۷	۱	۱	۱
ششم	۴۷	۴۸	۴۷	۱,۱	۱	۰,۹
هفتم	۴۷	۴۹	۴۷	۱,۱	۱	۱
هشتم	۴۷	۴۹	۴۷	۱,۱	۱,۱	۱
نهم	۴۷	۴۹	۴۷	۱,۲	۱,۱	۱
دهم	۴۸	۴۹	۴۸	۱,۲	۱,۱	۱

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های هزینه و درآمد خانوار شهری (۹۲-۱۳۸۸) و محاسبات نگارندگان.

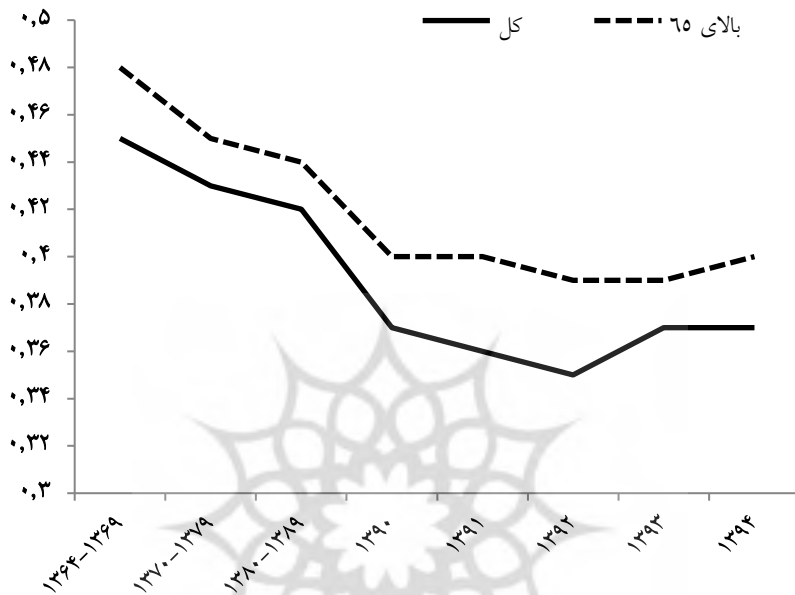
جدول ۳: ضریب جینی و میانگین تعداد شاغلین خانوار به تفکیک گروه‌های سنی در مناطق شهری (۱۳۶۴-۱۳۹۴)

دوره زمانی		۱۳۶۴-۱۳۶۹		۱۳۷۰-۱۳۷۹		۱۳۸۰-۱۳۸۹		۱۳۹۰-۱۳۹۴	
گروه سنی	ضریب جینی	میانگین تعداد شاغلین خانوار	ضریب جینی	میانگین تعداد شاغلین خانوار	ضریب جینی	میانگین تعداد شاغلین خانوار	ضریب جینی	میانگین تعداد شاغلین خانوار	نسبت شاغلین خانوار
۳۰-۰	۰,۴۳	۱,۰۲	۰,۴۱	۱,۳۲	۰,۴۱	۱,۰۴	۰,۳۶	۰,۹۸	
۴۰-۳۱	۰,۴۳	۱,۱۲	۰,۴۲	۱,۱۳	۰,۴۱	۱,۱۰	۰,۳۵	۱,۰۴	
۵۰-۴۱	۰,۴۵	۱,۲۷	۰,۴۳	۱,۳۰	۰,۴۱	۱,۲۹	۰,۳۵	۱,۱۱	
۶۰-۵۱	۰,۴۵	۱,۳۳	۰,۴۳	۱,۳۷	۰,۴۲	۱,۲۹	۰,۳۶	۱,۰۱	
۶۵-۶۱	۰,۴۶	۱,۱۴	۰,۴۴	۱,۱۹	۰,۴۳	۱,۰۶	۰,۳۷	۰,۸	
۶۵>	۰,۴۸	۰,۷۸	۰,۴۵	۰,۸۴	۰,۴۴	۰,۷۱	۰,۴۰	۰,۵۱	
کل	۰,۴۵	۱,۱۴	۰,۴۳	۱,۱۷	۰,۴۲	۱,۱۲	۰,۳۶	۰,۹۵	

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های هزینه و درآمد خانوار شهری (۹۴-۱۳۶۴) و محاسبات نگارندگان

در طول دوره مورد بررسی، در مناطق شهری، میانگین نابرابری درآمد در گروه سنی ۶۵ سال به بالا، از میانگین نابرابری درآمد کل جمعیت بالاتر است. این تفاوت، طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۰ که اقتصاد کشور تورم بالاتری را تجربه کرده است، تشدید شده است. با ورود سرپرست خانوار به دوره بازنشستگی، فشار بر توزیع درآمد بیشتر می‌گردد. از آنجا که به‌طور معمول، با شروع دوره بازنشستگی، درآمد ناشی از کار سرپرست خانوار دچار افت بیشتری می‌شود (در مقایسه با درآمد ناشی از سرمایه و اجاره)، این می‌تواند به بدتر شدن موقعیت رفاهی این خانوارها بیانجامد. تشدید نابرابری به‌ویژه در اقتصادهای با درآمد متوسط بالا، به معنی فقر بالاتر خواهد بود. با توجه به سرعت سالخوردگی جمعیت در ایران، این ویژگی، احتمال پیوستن خانوارهای در آستانه سالخوردگی جمعیت را به گروه فقیر بیشتر می‌نماید.

نمودار ۱: روند تحولات ضریب جینی کل جمعیت و ضریب جینی گروه سنی بالای ۶۵ سال در مناطق شهری (۱۳۶۴-۱۳۹۴)



مأخذ: محاسبات نگارندگان

روند تحولات ضریب جینی در گروه‌های سنی در مناطق روستایی

اگرچه شاخص ضریب جینی در مناطق روستایی پایین‌تر از مناطق شهری است، اما روند تغییرات آن در مناطق شهری و روستایی تقریباً مشابه است. در مناطق روستایی نیز همانند مناطق شهری، نابرابری درآمد در گروه سنی بالای ۶۵ سال، بالاتر از نابرابری درآمد کل جمعیت است و از این رو، پیوستن سرپرستان خانوار به گروه‌های سنی بازنشسته، گسترش نابرابری درآمد را به دنبال دارد.

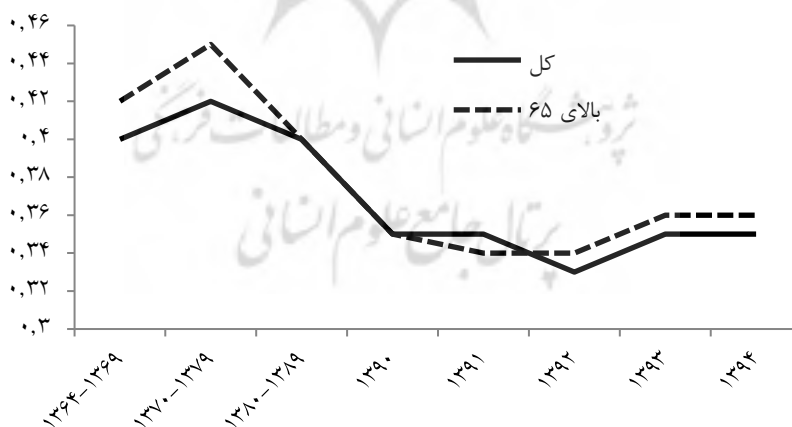
جدول ۴: میانگین ضریب جینی به تفکیک گروه‌های سنی در مناطق روستایی (۱۳۶۴-۱۳۹۴)

سال	گروه سنی					
	کل	۳۰-۰	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	۶۰-۵۱	۶۵-۶۱
۱۳۶۹-۱۳۶۴	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۳۸	۰,۳۸	۰,۳۹	۰,۴۱
۱۳۷۹-۱۳۷۰	۰,۴۲	۰,۴۱	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۴۲	۰,۴۳
۱۳۸۹-۱۳۸۰	۰,۴۰	۰,۴۰	۰,۳۹	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۴۰
۱۳۹۰	۰,۳۵	۰,۳۶	۰,۳۳	۰,۳۵	۰,۳۵	۰,۳۵
۱۳۹۱	۰,۳۵	۰,۳۶	۰,۳۳	۰,۳۴	۰,۳۵	۰,۳۷
۱۳۹۲	۰,۳۳	۰,۳۱	۰,۳۱	۰,۳۳	۰,۳۵	۰,۳۳
۱۳۹۳	۰,۳۵	۰,۳۴	۰,۳۳	۰,۳۴	۰,۳۶	۰,۳۶
۱۳۹۴	۰,۳۵	۰,۳۳	۰,۳۲	۰,۳۴	۰,۳۵	۰,۳۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، هزینه و درآمد خانوارهای روستایی (۹۴-۱۳۶۴).

همان‌طور که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، در تمام دهه‌ها به‌جز سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، رقم نابرابری درآمد در گروه سنی بالای ۶۵ سال، از این رقم در کل جمعیت بیشتر است. این اختلاف در دهه ۱۳۷۰ تشدید شده است. از این‌رو این گروه سنی در شرایط رکود تورمی، بیشترین ضرر را متحمل می‌شود.

نمودار ۲: ضریب جینی کل و گروه سنی بالای ۶۵ سال در مناطق روستایی (۱۳۶۴-۱۳۹۴)



مأخذ: بر اساس محاسبات نگارندگان.

جدول ۵: ضریب جینی و میانگین تعداد شاغلین در مناطق روستایی (۱۳۶۴-۱۳۹۴)

گروه سنی	۱۳۶۹-۱۳۶۴		۱۳۷۹-۱۳۷۰		۱۳۸۹-۱۳۸۰		۱۳۹۴-۱۳۹۰	
	میانگین	ضریب	میانگین	ضریب	میانگین	ضریب	میانگین	ضریب
۳۰-۰	۱,۱۴	۰,۴۱	۱,۲۳	۰,۴۱	۱,۱۶	۰,۳۴	۱,۰۱	۰,۳۴
۴۰-۳۱	۱,۳۰	۰,۳۸	۱,۳۷	۰,۴۰	۱,۲۶	۰,۳۲	۱,۰۸	۰,۳۲
۵۰-۴۱	۱,۷۹	۰,۳۸	۱,۸۲	۰,۴۱	۱,۷۵	۰,۳۴	۱,۳۴	۰,۳۴
۶۰-۵۱	۱,۹۴	۰,۳۹	۲,۰۱	۰,۴۲	۱,۹۶	۰,۳۵	۱,۴۸	۰,۳۵
۶۵-۶۱	۱,۶۵	۰,۴۱	۱,۷۶	۰,۴۳	۱,۷۱	۰,۳۵	۰,۲۳	۰,۳۵
>۶۵	۱,۱۹	۰,۴۲	۱,۲۵	۰,۴۵	۱,۱۶	۰,۳۵	۰,۷۹	۰,۳۵
کل	۱,۵۱	۰,۴۰	۱,۵۵	۰,۴۲	۱,۴۸	۰,۳۵	۱,۱۵	۰,۳۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده‌های هزینه و درآمد خانوار شهری.

در دهه ۱۳۷۰، افراد در گروه سنی ۶۰-۴۱ سال بیشترین تعداد شاغلین را داشته اند که در دهه‌های بعد، به گروه سنی بالاتر انتقال یافته‌اند و وارد گروه سالمند شده‌اند. در دهه ۱۳۹۰، میانگین تعداد شاغلین در گروه سنی بالای ۶۰ سال بسیار اندک است که می‌تواند نشان‌دهنده کاهش درآمد در این گروه سنی باشد. از طرفی، در سایر گروه‌های سنی نیز تعداد شاغلین در دهه ۱۳۹۰ کاهش یافته که می‌تواند نشان‌دهنده رکود و کاهش اشتغال در دهه اخیر باشد.

مقایسه ضریب جینی مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه‌های سنی

مقایسه شاخص نابرابری درآمد بین مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد که رقم این شاخص در مناطق شهری بالاتر است. این موضوع متأثر از الگوی مصرف خانوارهای شهری و الگوی مهاجرت است. بالاتر بودن سن بازنشستگی (خروج از بازار کار) در مناطق روستایی نیز می‌تواند در توزیع متناسب‌تر درآمد این مناطق تأثیر داشته باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند که در مناطق شهری، در مقایسه با مناطق روستایی، توزیع درآمد در میان گروه‌های مختلف سنی همگن‌تر است. در گروه سنی سالمندان، نابرابری توزیع درآمد در مناطق روستایی، به‌طور

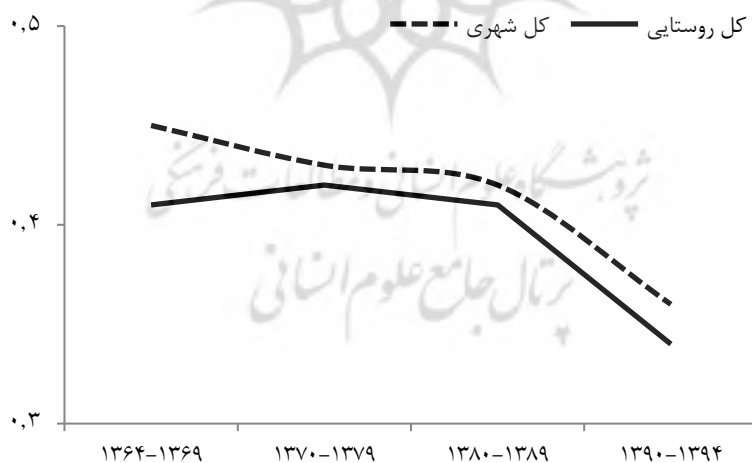
قابل توجهی پایین تر از این نابرابری در مناطق شهری است. این امر می تواند ناشی از بالاتر بودن سن بازنشستگی، سیستم حمایت فامیلی، تفاوت در نظام پرداخت حقوق بازنشستگان و پوشش کمتر بیمه های تأمین اجتماعی در مناطق روستایی باشد.

جدول ۶: میانگین ضریب جینی مناطق شهری و روستایی به تفکیک گروه های سنی ۱۳۶۴-۱۳۹۴

گروه سنی	کل	۳۰-۰	۴۰-۳۱	۵۰-۴۱	۶۰-۵۱	۶۵-۶۱	<۶۵
مناطق شهری							
۱۳۶۴-۱۳۶۹	۰,۴۵	۰,۴۳	۰,۴۳	۰,۴۵	۰,۴۵	۰,۴۶	۰,۴۸
۱۳۷۰-۱۳۷۹	۰,۴۳	۰,۴۱	۰,۴۲	۰,۴۳	۰,۴۳	۰,۴۴	۰,۴۵
۱۳۸۰-۱۳۸۹	۰,۴۲	۰,۴۱	۰,۴۱	۰,۴۱	۰,۴۲	۰,۴۳	۰,۴۴
۱۳۹۰-۱۳۹۴	۰,۳۶	۰,۳۶	۰,۳۵	۰,۳۵	۰,۳۶	۰,۳۷	۰,۴۰
مناطق روستایی							
۱۳۶۴-۱۳۶۹	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۳۸	۰,۳۸	۰,۳۹	۰,۴۱	۰,۴۲
۱۳۷۰-۱۳۷۹	۰,۴۲	۰,۴۱	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۴۲	۰,۴۳	۰,۴۵
۱۳۸۰-۱۳۸۹	۰,۴۰	۰,۴۰	۰,۳۹	۰,۴۰	۰,۴۱	۰,۴۰	۰,۴۰
۱۳۹۰-۱۳۹۴	۰,۳۴	۰,۳۴	۰,۳۲	۰,۳۴	۰,۳۵	۰,۳۵	۰,۳۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، داده های هزینه و درآمد خانوار شهری- روستایی و محاسبات تحقیق

نمودار ۳: روند تحولات ضریب جینی جمعیت کل مناطق شهری و روستایی (۱۳۶۴-۱۳۹۴)



مأخذ: بر اساس محاسبات نگارندگان.

بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران مانند اقتصاد بسیاری از کشورها، با تمرکز بالا بر اقتصاد بخش دولتی و تک‌محصولی، دچار درجات بالایی از نابرابری در توزیع درآمد است. نابرابری درآمدی بالاتر در شرایط رشد پایین اقتصادی، معمولاً به معنی فقر بالاتر است، که در عین حال، رشد اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بالاتر بودن رقم شاخص‌های نابرابری در گروه سالمندان، حکایت از آن دارد که پدیده اجتناب‌ناپذیر گذار جمعیتی، رشد نابرابری را تسریع خواهد کرد. به‌علاوه، بالاتر بودن نابرابری در گروه سنی بازنشستگان به این معنی است که با افزایش سن سرپرست خانوار، احتمال قرار گرفتن خانوار در گروه فقیر افزایش می‌یابد.

کشورهای توسعه‌یافته که بعضاً به این مرحله گذار جمعیتی رسیده‌اند، سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفته‌اند. برخی از کشورها (به‌طور مشخص آلمان) برای جبران کاهش عرضه نیروی کار ناشی از سالخوردگی جمعیت، سیاست مهاجرپذیری و بهبود تکنولوژی را در پیش گرفته‌اند و تلاش کرده‌اند از طریق افزایش بهره‌وری، اثرات کاهش عرضه نیروی کار بر رشد اقتصادی را تعدیل نمایند. برخی دیگر تلاش کرده‌اند با افزایش سن بازنشستگی، محدودیت عرضه کار را به تعویق بیندازند. استدلال آن‌ها این است که وقتی رقم امید زندگی افزایش یافته است، منطقی است که افراد، سال‌های بیشتری را شاغل باشند. این سیاست، علاوه بر کمک به تأمین عرضه نیروی کار، منابع مالی صندوق‌های بازنشستگی را بیشتر تأمین می‌کند. تلاش برای تغییر قوانین مهاجرت و جذب نیروی کار مهاجر جوان، سیاست دیگری است که برای تغییر در ترکیب سنی جامعه و تأمین نیروی کار به‌ویژه در کشورهای صنعتی پی‌گیری می‌شود.

کشورهای توسعه‌یافته که کمتر با بحران عرضه کار مواجه بوده‌اند، تلاش کرده‌اند با اصلاح قوانین صندوق‌های بازنشستگی، کارایی آن‌ها را بالا برده تا شرایط سالمندان در دوران بازنشستگی بهبود یابد. اقتصاد ایران، اگرچه با توجه به نرخ‌های بیکاری و رشد پایین اشتغال‌زایی، با محدودیت جدی در عرضه نیروی کار مواجه نیست، اما با توجه به اینکه بخش بزرگی از جمعیت با اتکاء به درآمد ناشی از کار، تأمین هزینه می‌کنند، گذار جمعیت به سالخوردگی جمعیت می‌تواند منجر به کاهش درآمد طبقه بزرگی از جمعیت شود، که این شرایط بر پس‌اندازهای مولد هم تأثیر خواهد داشت.

بعدها دیگر پدیده نابرابری در گروه سالمند، فقر گسترده‌تر است. بحران صندوق‌های

بازنشستگی که از هم‌اکنون آغاز شده، با گذار جمعیت به سالخوردگی جمعیت تشدید خواهد شد. بنابراین سیاست‌هایی که رشد منابع صندوق‌های بازنشستگی را افزایش می‌دهد (مانند رشد اشتغال، افزایش سن بازنشستگی و...) و مهم‌تر از همه، بهبود کارایی فعالیت صندوق‌های بازنشستگی، باید مورد توجه قرار گیرد.

در صورت عدم تدبیر چنین سیاست‌هایی، در نیمه اول قرن بیست و یکم، یعنی هنگامی که ۳۰ درصد جمعیت ایران در سنین بالای ۶۰ سال قرار می‌گیرند، شدت نابرابری در قالب فقر و کاهش پس‌اندازها می‌تواند به یک چالش مهم در اقتصاد تبدیل شود. با توجه به بافت سیاسی-فرهنگی در ایران، بعید است سیاست‌هایی نظیر حمایت مادی از فرزندآوری، بازکردن درب‌های اقتصادی بر روی مهاجران جوان و... کارساز باشد. چنین سیاست‌هایی برای کشورهای در حال توسعه (که اغلب مهاجرفرست هستند)، کمتر قابلیت اجرایی دارند. برای اقتصادهایی مثل اقتصاد ایران، تأکید بر افزایش بهره‌وری، بهبود تکنولوژی و افزایش سن بازنشستگی، قابلیت اجرایی بیشتری دارند، تا سیاست‌هایی مثل تشویق فرزندآوری، پذیرش مهاجرین و...

از جمله مهمترین اقداماتی که باید در راستای بهبود عملکرد صندوق‌های بازنشستگی انجام شود، می‌تواند تصحیح قوانین مربوط به صندوق‌ها، گسترش منابع صندوق‌ها از طریق پوشش عضو بیشتر، اداره صندوق‌ها در چارچوب قوانین بخش خصوصی و اجازه فعالیت بخش خصوصی در زمینه ایجاد صندوق‌های بازنشستگی است. مطالعات بعدی می‌تواند به ابعاد جزئی‌تر، مثل ساختار سنی و جنسی جمعیت، تأثیر سیاست‌ها در حوزه کلان اقتصادی بر وضعیت سالمندان و معیشت آن‌ها و نحوه اجرای سیاست‌ها بپردازد.

منابع

احمدزاده، خالد (۱۳۸۶). بررسی اثر ساخت سنی جمعیت کشور روی تورم "فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۰۶-۸۵.

باسخا، مهدی، کاظم یآوری، حسین صادقی و علیرضا ناصری (۱۳۹۴). تأثیر سالمندی جمعیت بر رشد اقتصاد غیرنفتی ایران، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پیاورد سلامت)، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۳۶-۱۳۱.

بهشتی، محمدباقر و خالد احمدزاده (۱۳۸۵). بررسی اثر ساخت سنی جمعیت کشور بر روی تورم، مجله

تأثیر سالخوردگی جمعیت بر نابرابری توزیع درآمد در ایران ۱۲۳

مدرس علوم انسانی، شماره ۵۲، صص ۸۵-۱۰۶.

پروین، سهیلا، (۱۳۹۴). رشد اقتصادی و طبقه متوسط، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۵، شماره ۵۶، صص ۴۲-۱.

پروین، سهیلا (۱۳۸۵). نقش انواع درآمدها در نابرابری توزیع درآمد در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۵، صص ۱۱۱-۱۲۸.

راغفر، حسین، میرحسین موسوی و زهرا کاشانیان (۱۳۹۱). اثر پدیده سالمندی بر رشد اقتصادی، معرفت فرهنگی/اجتماعی، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۳۲.

صادقی، رسول (۱۳۹۱). تغییرات ساختار سنی و ظهور پدیده پنجره جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۵، صص ۹۵-۱۵۰.

ضرغامی، حسین و محمود فریمانه (۱۳۹۴). بررسی تحلیلی ویژگی‌های جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی سالمندان کشور، مجله بررسی‌های آمار رسمی ایران، سال ۲۶، شماره ۲، صص ۱۶۰-۱۳۹.

عرب مازار، عباس، علی کشوری شاد (۱۳۸۴). بررسی اثر تغییر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۱۵، صص ۵۱-۲۷.

کوششی، مجید، اردشیر خسروی، مهتاب علیزاده، محمد ترکاشوند و نازنین آقایی (۱۳۹۲). سالخوردگی جمعیت در ایران، ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی-اقتصادی و چالش‌های پیشرو. طرح تحقیقاتی (مجری دکتر مجید کوششی عضو هیات علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران).

مهرگان، نادر و روح‌اله رضایی (۱۳۸۸). اثر ساختار سنی جمعیت بر رشد اقتصادی، پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره ۱۳، شماره ۳۹، صص ۱۴۶-۱۳۷.

مهرگان، نادر، میثم موسایی و رضا کیهانی حکمت (۱۳۸۸). رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷، شماره ۲، صص ۷۷-۷۷.

یاوری، کاظم و خالد احمدزاده (۱۳۸۹). بررسی رابطه مصرف انرژی و ساختار جمعیت، مطالعه موردی کشورهای آسیای جنوب غربی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ۷، شماره ۲۵، صص ۶۲-۳۳.

یاوری، کاظم، مهدی، باسرخا، حسین، صادقی و علیرضا ناصری (۱۳۹۴). نگاهی بر آثار اقتصادی پدیده سالمندی، دانشگاه تربیت مدرس، برگرفته از رساله دکتری.

Alimi, O. B, Maré, D. C. & Poot, J. (2016). Income inequality in New Zealand

- regions, In: P. Spoonley (ed.) *Rebooting the Regions*. Massey University Press, pp. 177-212.
- Alimi, O.B, D.C Maré, J. Poot (2017). More pensioners, less income inequality?, IZA DP Working paper, No. 10690.
- Anderson, B. (2001). Scandinavian Evidence on Growth and Age Structure”, *Regional Studies*, Vol.35, No. 5, PP. 377-390.
- Ball, C, & Creedy, J. (2015). Inequality in Newzealand 1983 to 2013, Working paper 2015/06. Wellington: New Zealand Treasury.
- Berg, L. (1996). Age Distribution, Saving and Consumption in Sweden, Working Paper Series, Vol. 22, Department of Economics Uppsala University.
- Cameron, L. A. (2000). Poverty and inequality in Java: examining the impact of the changing age, educational and industrial structure”. *Journal of Development Economics*, 62(1), 149-180.
- Dinardo, J. Fortin, N.M. & Lemieux, T. (1996). Labor market institutions and the distribution of wages 1973-1992: A semiparametric approach, *Econometrica*, 64(5), 1001-1044.
- Gonzalez, M. Eiras, Niepelt, D. (2012). Ageing, government budgets, retirement, and growth”, *European Economic Review* 56 (2012) 97-115
- Hyslop, D. R. & Maré, D. C. (2005). “Understanding NewZealand's changing income distribution, 1983–1998: A semi-parametric analysis. *Economica*, 72(287), 469-495.
- Lam, D. (1997). Demographic variables and income inequality. In M. R. Rosenweig & O. Stark (Eds.), *Handbook of population and Family Economics*, (Vol. 1B, pp. 1015-1059):
- Lim Rogers, D. Eric Toder, E. and L. Jones (2000). Economic consequences of an aging population, The Retirement Project. Occasional Paper Number 6.
- Lin, C.H. A. Lahiri, S. Hsu, C. P. (2015). Population aging and regional income inequality in Taiwan: A spatial dimension, *Social Indicators Research*, 122 (3), 1-21.
- Miyazawa, K. (2005). Growth and Inequality: A Demographic Explanation, *Discussion Paper*, No. DARP 75, July 2005
- Mookherjee, D. Shorrocks, A. (1982). A decomposition analysis of the trend in UK income inequality”, *The Economic Journal*, Vol. 92, No. 368 (Dec., 1982), pp. 886-902.
- Queisser' M, Whitehouse, E. (2009). Living standards in old age: Current outcomes and future prospects, Presented in Technical Seminar on pensions, France, 1-2 October 2009.

Shirahase, S. (2015). Income inequality among older people in rapidly aging Japan, *Research in Social Stratification and Mobility*, 41 (2015) 1–10

Shorrocks, A. F. (1984). Inequality Decomposition by Population Subgroups.

Stephen p, Jenkins (1993). Accounting for Inequality Trends: Decomposition Analyses for the UK, 1971- 86, eight explanations for UK income inequality. *Economic*, No. 62, pp. 29-63.

United Nations (2017). Population Division World Population Prospects: The2017 Revision, DVD Edition.

Warren C. Sanderson, Sergei Scherbov, (2007-2008). A new perspective on population aging, *demographic research*, Volume 16, Article 2.

Zhong, H. (2011). The impact of population aging on income inequality in developing countries: Evidence from rural China”, *China Economic Review*, 22(1), pp 98-107.

